نام نمادین حسین علیه السلام در ادبیات عرفانی

محمد اختری




بسم الله الرحمن الرحیم

نام نمادین امام حسین (علیه السلام) در ادبیات عرفانی

نویسنده:

محمد اختری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نام نمادین امام حسین علیه السلام در ادبیات عرفانی

مشخصات کتاب

عنوان : نام نمادین حسین(ع) در ادبیات عرفانی

پدیدآورندگان : امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

محمد اختری(پدیدآور)

ناشر : محمد اختری

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : اسم

ادبیات عرفانی

مقدمه

کردم ز دیده پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین خدام مرقدش به سرم گر نهند پای حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین از آن زمان که عشق در مکتب حسین زانو زد و راه و رسم عاشقی را به خط خون نوشتند و نینوا حدیث راه پر خون را از نای بریده نواخت، حدیث عشق و کربلا به یکدیگر در آمیخت و عشق در کربلا تجلّی یافت.از آن زمان زیارت مرقد او که سرسلسله عشاق است بر هر آن کس که طالب دلدادگی است، فرض عین گشت و حسین آموزگار عشق و عاشقی و قتیل عشق:و این گونه شد که حدیث عشق و عاشورا و حسین در هم تنید و نام شورانگیزش نمادی از فنای فی الله و بقای الله:گفت الها، ملکا، داوراپادشها، ذوالکرما، یاورا در رهت ای شاهد یکتای من شمع صفت سوخت سراپای من عشق تو شد جان و تنم فی هواک نیست بود در نظرم ما سواک جز تو جهان را عدم انگاشتم غیر تو چشم از همه برداشتم کرد ز دل عشق تو هر نقش پاک ساخت غمت جامه تن چاک چاک رفت سرم بر سر پیمان تو محو تو ام واله و حیران توگر ارنی گوی به طور آمدم خواستیم تا به حضور آمدم بالله اگر تشنه ام آبم تویی بحر من و موج و حبابم تویی عشق تو شد عقل من و هوش من گشته همه خلق فراموش من مهر تو ای

شاهد زیبای جان آمده در پیکر من جای جان از همان نخستین سال های ورود اسلام به ایران، عشق به خاندان عصمت و طهارت در میان ایرانیان رو به فزونی نهاد. ایرانیان حقایق دین مبین اسلام را در چهره سیرت اهل بیت (ع) یافتند و به همین سبب از همان دوره های نخستین به حمایت ازآنان پرداختند. محقق و نویسنده آلمانی «کورت فریشلر» در آغاز کتاب خود با عنوان «امام حسین و ایران» به این موضوع می پردازد و این علاقه را دو سویه می داند:«خاندان علی (ع) طوری به ایرانیان علاقه مند بودند که مردم ایران، آنان را به چشم عرب نمی دیدند. «بارتو لو مو» نیز عقیده دارد که ایرانیان در سال شصتم هجری آماده شدند تا به امام حسین کمک کنند.»عشق به اهل بیت، موجب شد تا این سرزمین به ملک دوستداران آنان و شیعیان مبدل گردد و حماسه خونین کربلا چنان با جانشان در آمیزد که سراسر تاریخ و فرهنگ آنان شمیمی حسینی یابد و از این نام قداست گیرد.مدح اهل بیت: از آغازین دوره های نظم و نثر فارسی با آن گره خورد و بعدها موضوع بسیاری از آثار ادبی گردید که البته در این مختصر، مجال پرداختن به چرایی و چگونگی آن نیست. اما یکی از وجوه ممتازی که عمق تاثیر واقعه عاشورا و حماسه حسینی را در ادبیات فارسی نشان می دهد، رمزی شدن و نمادی شدن این نام مقدس است که سعی می شود ابعاد مختلف این موضوع در این مقال بررسی گردد.

ادبیات عرفانی ادبیات رمزی

یکی از ویژگی های ادبیات عرفانی، رمزی بودن آن است. از آن جایی که واژگان رایارای آن نیست، تا مفاهیم بلند عرفانی را در خویش

جای دهد و عارف در کشف و شهود نمی داند چگونه هجوم لحظه های ناب را تاب آورد از رمز مدد می جوید، تا بتواند بدان طریق گوشه ای از دریافت هایش را بیان کند و عیان نماید. و گاه نیز آرزو دارد حرف گفت، و صورت را بر هم زند، تا به این هر سه، از یار بی نشان دم زند، از این رو رمز را در ادبیات عرفانی این گونه معنا می کنند:القا معنا و مقصودی با اشاره و ایما، کلمه و سخنی که با رعایت نوعی تناسب و شباهت و یا حتی بدون تناسب معنایی بعید از آن را اراده کنند و در اصطلاح معنیی باطنی که مخزون در تحت کلام ظاهری است که غیر اهل را بدان دسترسی نیست.نگاهی گذرا به سیر کاربرد واژه مقدس حسین در ادبیات عرفانی فارسی نشان دهنده نمادین شدن و رمزی گشتن این نام است و این نیز خود بیانگر عمق معنا و مفهوم این حادثه عظیم از یک سو و مفاهیم مکنون در آن و وقایع باطنی و مخزون پوسته ظاهری آن است. برای آن که بتوانیم سیر کاربرد این نام مقدس را بررسی نماییم، این سیر را به چند دوره تقسیم بندی می نماییم

نام مقدس حسین در نخستین دوره های ادبیات عرفانی

در نخستین آثار عرفانی به زبان فارسی و به ویژه در اشعار این دوره، نام مقدّس امام حسین (ع) به عنوان سمبل فنای فی الله مطرح شده است. ابوالحسن علی ابن عثمان جلابی هجویری صاحب کتاب گران قدر «کشف المحجوب» در بیان احوال اولیای الهی امام حسین (ع) را این گونه توصیف می کند:«ابو عبدالله الحسین بن علی ابن ابی طالب رضی الله عنهما از محققان اولیا بود و قبله اهل

بلاـ و قتیـل دشت کربلاـ و اهل این قصه بر درستی حال وی متّفقنـد، کی تا حق ظاهر بود مر حق را متابع بود، چون حق مفقود شود شمشـیر بر کشـید و تا جان عزیز فـدای شـهادت خـدای عزوجل نکرد، نیارمیـد.همان گونه که مشاهده می شود، هجویری شهادت و فنای فی الله را از خصوصیات بارز امام حسین (ع) می شمارد و این برداشت در شعر شاعر و عارف بزرگ قرن پنجم حکیم ابوالمجد مجـدود آدم سـنایی، غزنوی نیز راه می یابد. سـنایی یکی از بزرگ ترین شاعران پارسـی گوی است که برای نخستین بار مفاهیم عرفانی را وارد شـعر فارسـی کرد.وی در شـعری در مدح رسول اکرم (ص) می سراید:بارگاه او دو در دارد که مردان در روند یک اندر کوفه یابی و دگر در کربلاسـنایی، معتقد است که راه دین راهی سخت و طاقت فرساست و انسان به حکم آن که در الست به «الست بربکم» «بلی» گفت بایـد تن به سـختی هـای کرب و بلا سـپارد و چون حسـین (ع) خون از گلویش او جاری گردد:خرمی چون باشـد انـدر راه دین کز بهر حق خون روان گشـتست از حلق حسـین در کربلااز برای یک بلا کانـدر ازل گفتست جان تا ابـد انـدر دهـد مرد بلی تن در بلاتاثیر نمادین نام امام حسـین (ع) در همان دوره های اول شـعر عرفانی در این شعر حکیم سنایی بسیار زیبا نمود می یابد:دین حسین توست آز و آرزو خوک و سگست تشنه این را می کشی و آن هر دو را می پروری بریزید و شـمر ملعون چون همی لعنت کنی چون حسـین خویش را شمر و یزید دیگری در این شعر، شاعر آز و آرزو را که

چون خوک و سگ نجس هستند، به شمر و یزید تشبیه می کند که انسان علی رغم آن که آنها را لعنت می کند آنها را پرورش می دهد و از دیگر سوی، دینش را که مانند حسین است تشنه سر می برد. به دیگر سخن «سنایی» حماسه عاشورا را برای انسان چون جهاد اکبری می داند که انسان هر روز و هر لحظه با آن روبه رو است. هر لحظه انسان بسته دامی نو است و هر لحظه در حالی که شمر و یزید ظاهری را لعن می کند در باطن در حال پرورش دادن آنهاست.این مفهوم در شعر مولانا جلال الدین محمد بلخی نیز نمود یافته است. مولانا در «دیوان کبیر» خود به حادثه عاشورا اشاره می نماید و از آن بهره ای عارفانه می جوید:ز سوز شوق دل من همی زند علا که بوک در رسدش از جناب وصل صلادل است همچون حسین و فراق همچو یزید شهید گشته دو صد ره به دشت کرب و بلاشهید گشته به ظاهر حیات گشته به غیب اسیردر نظر خصم و خسروی به علادر این بیت ها، حکایت دل هجران کشیده به امام حسین تشبیه شده و فراق، چون یزید راه را بر دل بسته است. اما اگر چه فراق دل را به شهادت می رساند، اما ثمره این شهادت که به ظاهر نیستی است، حیات جاویدان است که در غیب رخ می نماید. به دیگر سخن، لازمه حیات طیبه شهادت است و تا دل چون حسین در بیابان کرب و بلا شهید نشود و دست از هر آنچه مادیت است، نکشد به وصال و بقای راستین نمی رسد. این شهادت ظاهری معادل با حیات جاوید است:(و لا تحسبن الذین

قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون)اسارت در ملک عشق آزادی است و رهایی از هر چه تعلق است و شـهادت پروازی عاشقانه، تا لقاء الله است:کجایید ای شهیدان خدایی بلاجویان دشت کربلایی کجایید ای سبک روحان عاشق پرنده تر ز مرغان هوایی کجایید ای شـهان آسـمانی بدانسته فلک را ره گشایی بزرگانی چون فرید الدین عطار نیشابوری و شیخ مصلح الدین سـعدی نیز به نام امام حسین (ع) اشارت داشته اند، او را مدح گفته اند:ای گوهر کان فضل و دریای علوم وز رای تو در درج گردون منظوم بر هفت فلـک ندیـد و بر هشت بهشت نه چرخ چو تو پیش رود معصوم امـا به هر روی تـا این دوره معنای نمادین کربلا و امام حسـین (ع) عمدتا در مفهوم رها کردن امیال نفسانی و شهادت برای قرب به حق به کار می رفته است. در اواخر این دوره کم کم رابطه عشق و کربلا نمود می یابـد.رابطه نمادین عشق و حسـین در اشـعار سـده های میانی (قرن هشـتم تایازدهم)سیف فرغانی، یکی دیگر از شاعران عارف است که قصیده ای بسیار زیبا درباره واقعه کربلا دارد:ای قوم در این عزا بگریید بر کشـته کربلا بگریید...سـیف در پایان قصـیده «گریسـتم بر امام حسـین» را چون ابر رحمتی می داند که گناهان را از صفحه دل پاک می کند:اشک از پی چیست تا بریزید چشم از پی چیست تا بگرییدتا شسته شود کدورت دل یکدم ز سر صفا بگرییدنسـیان گنه صواب نبود کردید بسی خطا بگرییدوز بهر نزول غیث رحمت چون ابر گه دعا بگرییدباران نیز یکی از واژه های نمادین عرفانی است که در این جا با اشک ریختن برای امام حسین (ع) پیوند خورده است.نورالدین عبدالرحمن

جامی، یکی از شاعران و عارفان بلند مقام سده نهم هجری است که در عرفان نظری، پایه ای بلند دارد. او حسین (ع) را الگوی عاشقان می دانـد و معتقـد اسـت هر عاشـقی را فرض عیـن است که به دیـدار مرقـد او بشـتابد تـا راه و رسم عاشـقی را از وی بیاموزد:کردم ز دیـده پای سوی مشـهد حسـین هست این سـفر به مذهب عشاق فرض عین از این دوره به بعد اندک اندک نام امام حسـین (ع) با عشق گره خورد و شاعران عشق راستین را در حادثه پر شـکوه عاشورا تصویر کردند. محتشم کاشانی، شاعر بزرگ قرن دهم هجری مرثیه سـرایی درباره امام حسـین (ع) را به اوج خود رسانید، تا آن جا که اشعارش زیب تکیه و مساجد شده است. محتشم در بخشـی از ترکیب بند مشـهور خود رابطه عشق و امام حسین را به آغاز خلقت پیوند می زند:بر خوان غم چو عالمیان را صـلا زدند اول صـلا به سلسله ی انبیا زدندنوبت به اولیا چون رسید آسمان تپید ز آن ضربتی که بر سر شیر خدا زدنـدپس آتشـی ز اخگر الماس ریزه ها افروختنـد و در حسن مجتبی زدنـدو آنگه سـرادقی که فلک نبودکنـدن از مدینه و در کربلا زدند...در اشـعار این دوره، واژه هایی چون: بزم الست، سـلطان عشق، قالو بلی، و... بسـیار به چشم می خورد، اما نگاهی کاملاً عارفانه و عاشقانه به حادثه کربلا را باید در اشعار «عمان سامانی» جست و جو کرد.

داستان عشق و حسین در گنجینه الاسرار عمان سامانی

حکـایت عرفـانی عمـان سامـانی شـاعر ارجمنـد قرن سـیزدهم هجری، به گونه ای دیگر است. عمـان حکـایت عشق را به آغاز آفرینش می برد و با مشربی که اندکی به دیدگاه وحدت وجودی نزدیک است، به

علت پیـدایی موجـودات می پردازد و راز آن را به حکم حـدیث مشـهور «کنت کنزا مخفیـا و احببت ان اعرف...» چنین تصویر می کنـد:لاجرم آن شاهـد بالا و پست با کمال دلربایی در الست جلوه اش گرمی و بازاری نـداشت یوسف حسـنش خریـداری نـداشت مـاسوی آیینه آن رو شدنـد مظهر آن طلعت دلجو شدنـدپس جمـال خویش در آیینه دیـد روی زیبـا دیـد و عشق آمد پدیـددر تجلی اول، بر خویش اعیان ثابته پدیـدار شدند و در تجلی دوم، ممکنات پدیدار گشـتند و این همه به واسـطه حب ّو عشق بود. عشق چون امـانتی به کوه و آسـمان و زمین عرضه شـد، امـا هیـچ یک را تاب تحمل آن نبود، تا این که انسان آن را پـذیرفت. و به میثـاق (الست بربکم، قـالوا بلی) گفت. هر یـک از موجودات به حکم عین ثابت خویش بهره خویش گرفتنـد و طریق سـعادت یـا شـقاوت بگزیدنـد.ابلیس شـراب تلبیس سـر کشـید و پس از او قابیـل و نمرود و جـالوت و فرعون...سـرانجام شمر:چون که استهزای ساقی شد تمام مظهری برخاست از جا شمر نام گفت هان در احتیاط باده باش جام را آمد حریف آماده باش این شقاوت را ز سرداران منم دوزخت را از خریداران منم اولیاء الله نیز جام سعادت سر کشیدند. آدم در آغاز، ساز مستی سر داد و سـپس نوح و ایوب و خلیل و یونس و یعقوب و کلیم و احمد و مرتضـی و سـرانجام حسـین (ع) که شاعر را از شدت اشتیاق یارای آوردن نامش نیست:کیست این مطلوب کش دل در طلب نامش از غیرت نمی آرد به لب حسین، ساقی سرمستان است که عشق را از ملکوت به ملک آورده است، تا در کربلا

با لشگر نفس و شهوت برزمد:لاجرم زد خیمه عشق بی قرین در فضای ملک آن عشق آفرین بی قرینی با قرین شد هم قران لا مکانی را مکان شد لامکان کرد بر وی باز درهای بلا تا کشانیدش به دشت کربلاحسین (ع) رو به یاران خویش می کند و سختی های راه پر خون عشق را تصویر می کند و آنان که «الذین بذلوا مهجهم دون الحسین (ع)» هستند، از دست او باده مستی می نوشند:محرمان را خود را خواند پیش جمله را بنشاند پیرامون خویش با لب خود گوششان انباز کرد در ز صندوق حقیقت باز کردجلمه را کرد از شراب عشق مست یادشان آورد آن عهد الست گفت شادباش این دل آزادتان باده خوردستید بادا یادتان یادتان باد ای فرامش کرده ها جلوه ساقی ز پشت پرده هایادتان باد ای به دلتان شور می آن اشارت های ساقی پی ز پی«حر» آن سالک ره به خطا رفته به همت پیر مرشد به حق رهنمون می گردد. «حر» کنایه از نفس غافل است که با رهبر راه می یابد:حضرت عباس (ع) سالکی واصل است که در شط یقین، مشک را از آب حقیقت پر می کند، تا کام مشتاقان را سیراب نماید.خصم مانع وی می گردد و او سلطان عشق را صلا می زند:ای صبا ای عندلیب کوی عشق ای تو طوطی حقیقت گوی عشق دستی این دست ز کار افتاده را همتی این یار بار افتاده راعلی اکبر (ع) تشنه معرفت از میدان بر می گردد، تا از دریای عشق سیراب گردد:کای پدر جان از عطش افسرده ام می ندانم زنده ام یا مرده ام این عطش رمز است و عارف واقف است سر حق این است و عشقش کاشف است دید شاه دین که سلطان هدی است

اکبر خود را که لبریز خداست اکبر از لبان سلیمان عشق آب می نوشد و عازم میدان می شود. شاعر سپس با نقل عرفانی سایر وقایع کربلا رموز عرفانی را برای مخاطب مکشوف می سازد، تا در آخرین گام خویشتن قصد آوردگاه می کند، تا در کمال انقطاع به مشاهده معشوق بنشیند:ساقی ای قربان چشم مست تو چند چشم می کشان بر دست تودر فکن آن آب عشرت را به جام بیش از این مپسند ما را تشنه کام چیست آن دارالوصال ای مردم راه ساحت میدان و طرف قتلگاه عمان مقام فنا را در آخرین بخش گنجینه اسرار بسیار زیبا توصیف می کند. درآخرین لحظه امام به «جبرئیل» که از سوی حق پیام آورده است، می فرماید که حضورش مانع وصال است:آن که از پیشش سلام آورده ای و آن که از نزدش پیام آورده ای بی حجاب اینک هم آغوش من است بی تو رازش جمله در گوش من است همان گونه که مشاهده می شود، عمان سامانی واقعه کربلا را کاملاً در عشق متلاطم می بیند. این نگاه عاشقانه به امام حسین (ع) در شعر شاعران معاصر نیز دیده می شود.

تجلی عاشقانه حسین در شعر معاصر

جلوه عاشقانه حسین در شعر شاعران معاصر نیز جلوه گر می شود. مرحوم الهی قمشه ای در مثنوی زیبای نغمه حسینی پیوند آغازین عشق را با نام مقدس حسین (ع) تصویر می کند:قصه عشاق و سپهدار دین کرد بیان کلک سخندان عشق حکیم قمشه ای از زبان پیامبر (ص) راز عاشقانه قیام حسینی را چنین بیان می کند:چون که توئی قافله سالار عشق رو به حجاز آر و عراق و دمشق پر ز غم عشق کن آفاق را نسخ کن آوازه ی عشاق رادر ازل از خامه ی سلطان عشق شد رقم از خون تو قرآن عشق خیز و

عنـان تـاز به میقـات عشق فـاش و عیـان سـاز مقامـات عشق در این نگاه عارفانه به حماسه عاشورا همه حوادث باطنی و درونی است. بـاطن این ماجرا حرکت انسان برای رسـیدن به لقاء الله است و این مقصود، جهادی اکبر را می طلبـد.سالک به تاوان بلی در عهـد الست بایـد از کرب و بلا بگـذرد، تا شـهد نوشـین شـهادت را بیاشامد.اسـتاد ارجمنـد دکتر منصوری لاریجانی نیز در مثنوی «خمسه آل عشق» نگاهی از همین نوع، اما با زاویه ای متفاوت به کربلا دارد:اسـمای الهی نزد حضـرت عشق می آینـد و از عشق که تجلی حب ّ ذاتی است تقاضا می کننـد، تا پیغام ها را به حضـرت ذات اقدس الهی برسانند. عشق پیام صـفات را به ذات می آورد. حضرت ذات تقاضایش را اجابت می کند، خلیفه الله را آیینه روی خویش می گرداند. نام این صورت حقیقت محمدیه است:نام این سـینه محمد یاد شد با علی همزاد در ایجاد شدعلم الاسما شده تدریس او فیض اقدس هم به جد تقدیس اواین خلیفه ی اعظم برای انبسـاط وجود، دارای ولا‌یت مطلقه است که مظهر آن ولایت علی ابن ابی طالب است. عشق سـپس به محضر ولایت ره می نماید:سر خلقت در ولایت خفته است این حقیقت را محمد گفته است عشق در دبستان علی (ع) درس ها می آموزد و سپس برای آن که خویش را عریان نماید و سینه اش را از داغ عریان به مکتب حضرت زهرا (ع) می رود:چون تو زهرایی گلسـتانم نما نی اگر خواهی نیستانم نماعشق در مکتب حضرت زهرا (ع) با درد و غم غربت ولایت آشنا می شود و برای ستادن خلعت زیبایی رهسپار کوی حسن (ع) می گردد:با جمالت عشق کامل می شود عاشقان را زینت دل

می شودعشق سپس به توصیه امام حسن (ع) برای آموختن راز شهادت به کوی حسین (ع) می شتابد:السلام ای درد نوش جام عشق دفتر آغاز و هم فرجام عشق از حسن سوی تو می آیم کنون تا کنی آگه مرا از راه خون امام حسین (ع) عشق را به شکیبایی و هجرت رهنمون می گردد، که سرآغاز عشق آموزی ها هجرت است. عشق همه جا همراه حسین (ع) ره می سپرد، تا آن که شهادت امام و یارانش را در عاشورا به نظاره می نشیند:دید یاران حسین چون لاله ها سوختند اندر میان شعله هاشمع بزم عاشقان آمد حسین منظر سینا نشان آمد حسین عشق از تماشای آن صحنه های خونین حیرت زده خود را به حضرت زینب (س) آموزگار خویش رسانـد و از او کمک خواست. زینب ۳ او را دل داری داد که نور حق را دراین صحنه خونین ببین که در وجود ولی حزب الله الاعظم جلوه گر شده است. زینب او رابه دیدار قتلگاه می برد و به او آموزش می دهد که عشق را بی شهادت سوز نیست وبی اسارت ساز. اصل مأموریت عشق این است که راز این معنا را در منزل شهادت واسارت کشف کند:عشق باید کشف این معنا کند شور و غوغا در جهان بر پا کندبی شهادت عشق را آواز نیست بی اسارت نیز او را ساز نیست گرچه می دانم محمد زاده ای دست بیعت با ولایت داده ای با عدالت قامت موزون شده کوثر زهرا به جامت خون شده زیور از دست حسن پوشیده ای باده از جام حسین نوشیده ای در این نگاه، برخلاف نگاه های پیشین این عشق نیست که شهادت را می طلبد،بلکه این شهادت است که عشق را می طلبد و عشق است که باید از حسین (ع) بیاموزد وغم و

درد راه پر خون عشق از این جا آغاز شده است.نگاه عارفانه به کربلا در این اشعار به اوج خود می رسد و البته حماسه هشت سال دفاع مقدس نیز موجب شد تا در ادبیات مقاومت نیز نام نمادین حسین ورد زبان ها گردد.

عشق، حسین و مقاومت در ادبیات مقاومت

دفاع مقدس مردم ایران در عصر حاضر در متن خود با نام مقدس حسین (ع) درهم تنید و با رمز اهل بیت: پیش رفت، تا الگوی عاشقان و شاهدان گردد. از این رو،ادبیات مقاومت سراسر مشحون از نام مقدس حسین است. در این مختصر نمی توان همه اشعاری را که در این باره سروده شده است ذکر کرد. از این رو، به تعدادی از این ابیات اشاره می شود:حسین اسرافیلی:ای حضور آسمان در جان خاک یا حسین ابن علی روحی فداك رضا اسماعیلی:وارث خون خدا امروز تیغ خشم ماست انتقام عشق را بگذار با ما ذوالجناح بر دوست همان روز که با حنجره خون گفتی تو بلی کرب و بلا- در تو درخشیدقیصر امین پور:سری سرمست شور و بی قراری چو مجنون در هوای نی سواری پر از عشق نیستان سینه ی او غم غربت غم دیرینه ی اوعلی معلم:روزی که بر جام شفق مل کرد خورشیدبر خشک چوب نیزه ها گل کرد خورشیدبیگی حبیب آبادی:هزار زخم به حیرت چو چشم وامانده ست که عشق بی سر و دست و کفن رها مانده فاطمه راکعی:بین به عرش ملایک سرشک می بارند بلند نام کسی را به عشق می خوانندز خون اوست اگر خون عشق در رگ ماست ز سعی اوست اگر شور عاشقی در ماست سید ضیاء الدین شفیعی:عشق می فرمود: باید رفت و می رفتند و هیچ بیمشان از تیرهای تلخ و بی پروا نبودخیمه ها از مرد خالی

می شد اما هم چنان اهل بیت عاشقی از مردانگی تنها نبودمحمد خلیل جمالی:نیمروز روز عاشورای عشق بود بر پا هم چنان غوغای عشق ادبیات عاشورایی، در ادبیات مقاومت تجلی یافت؛ به گونه ای که ادبیات مقاومت را نمی توان از ادبیات عاشورا تهی تصور کرد و با همه واژه های عاشورایی، ترکیباتی:عاشقانه ساخته شد انتقام عشق، اهل بیت عشق، عشق بی سر و دست و پا خون عشق و... از جمله ی این ترکیبات زیبا هستند و عشق و عاشقی و حدیث عارفانه و عاشقانه کربلا به زیباترین شکل در ادبیات مقاومت تجلی یافت. این مبحث را با اشعاری از شاعر بزرگ معاصر استاد محمدحسین شهریار پایان می بخشیم:دلم سر به هامون رها می پسندد سرم بالش از صخره ها می پسنددنهان خواهم از در خاک و خونین که چون گوهرم پر بها می پسنددچرا جفت بیگانگانش نباشم که از عاقلانم جدا می پسنددبلی مبتلای بلا چون نباشم که او البلاء للولاء می پسنددنوای نی از نینوا خیزد آری در این نینوا نی نوا می پسنددسیرت آل علی با سرنوشت کربلاست هر زمان از ما یکی صورت نما دارد حسین ساز عشق است و به دل هر زخمه پیکان زخمه ای گوش کن عالم پر از شور و نوا دارد حسین

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹